

# مذاکره خلق

## معنی آزادی در حکومت خلق؟؟

آزادی عبارت از متابعت قوانین و مقررات پایبند بودن و حسن مشورت لیت اجتماعی را در خود تربیه نمودن است - آزادی مصادف و حش و بهریت نیست - دریک حکومت دیموکراسی راحت و سعادت وجود داشته - هر کس در بیان نشرات عقاید و آمال و تشکیلات ازاد سیاسی آزاد است ولی تا جائیکه مثل و مانع آزادی دیگران نگردد - و هر کس مجبور است مشورت لیت خود را در جامعه احساس و قیود و مقررات آن را احترام کند - آزادی وحشیانه در حقیقت در یک حکومت استبدادی وجود ندارد - زیرا حاکم ازاد است که حسب میل و اراده خود با مقتدرات مردم بازی کرده و هر حقوق آن ها بپازد ازاد و فعال ما بپزید است که حیات و ممت و همه چیز مردم را با حرکت دولت خود تعیین نماید - ازاد و مختار است که هر کرا بخواد حد حیس کرده - کشته - مال و جاهش را بتاراج برده و اطفال صغیر و بن گناهی را بدار بزند - مردم هم درین طرز اداره ازاد اند که اطاعت کنند یا عصیان بخلق احترام نهند و یا بی احترامی - آمرین خود بشر را صیانت کنند و یا قتل - این ها حقایقی اند که کتاب مثبت ماضی باکمال - وضاحت آن را بما نشان داده و هزاران امثله درخشان آن را قید کرده است - دریک حکومت استبدادی هر چیز بازور و تحکم اجرا شده بر لپها مهر سکوت بوده و جریان امور بمنفع چند نفر خدمت میکند - خلق هم ظاهرا مطیع و منقاد - اطاعت کار و فدائی - متملق و جا پلوس بوده و با مدائنه - و بی تفاق - دروغبانی - چال و نمرنگ روز خود را گذرانیده و جان و مال خود را صیانت میکنند - ولی این ظاهر آرام نمایشی و غیر حقیقی بوده و هنگام فرصت طوفان های شدید در هر گوشه و کنار مملکت تولید شده - تر و خشک را با وحشت سوخته و انتقام مظالم را از کوتی و باغ و باغچه و هر که اتفاقا بدست شان برسد می کشند - تاریخ بشر هزاران امثله این طرز اداره را نشان داده و ما هم همه شاهد این درام های تنگین بوده ایم - ولی بقیه در صفحه ۴

شاغلی سید احمد خان فراق از کاپیسا انتخاب و کلا کاپیسا در شورای ملی قاتری می باشد از بدو موجود آمدن پارلمان در وطن ما تا کنون انتخابات و کلا کاپیسا قاتری نبوده و هر شخصی که زور و وسیله داشت و لزبناهل محض هم باشد می تواند و کول شورا شود - شایب خواستنده گان محترم تصحیح خرابی کردند که چوا سرزمین عریض و پهناور کاپیسا مبتلا بقحط و فقر است - حقیقت آنطور نیست و کاپیسا امروز فزونی مژور - فکور - لایق و پر جسته را مالک و در هر گوشه و کنار آن مردان وجود دارد که نیروی معنوی آن ها کثر از رجال دیگر حصص - مملکت نیست - اما متاسفانه با و صفیان هم از چندین سال همین طرف مردم کاپیسا مرفق و انتخاب و ارسال یک و کول قاتری در شورای ملی نشده اند - ملک تا کانی مادر انتخاب و کلا انتخابات ازین است که قسمت اعظم محیط کاپیسا بپسوده و اشخاص و استفاده جو در بین آن ها تفرق - ما دیات پرستی خود را قیام و تمیگ دارند که رای گیری همه صورت ازادانه اجرا گردد - کذا ما از کدام قانون انتخابات اساسی و اصول انتخابات و کلا هم معلومات نداریم - بپنده بحیث یک نفر وطن دوست کاپیسا بحال اسف ناک و رقت آور قوم خود تاسف نموده و جدا از دولت بهیخواه و پارلمان مملکت خود خواهش میکنم تا در دوره هشتم انتخابات و کلا کاپیسا به مجلاها و طریمو های جمعی اشخاص بمسواد ترتیب اثر نداده و هم تا آن زمان یک قانون اساسی انتخابات به دسترس مردم بگذارند تا خلق بپانر آن ازادانه و کلا ی خویش را انتخاب کنند ( حقیقتا ما دارای یک قانون اساسی - انتخابات نبوده و از طرف دیگر مردم هم تازه بروشهای دیموکراسی آگاه شده اند پس فرضا سیاسی دولت و شورای ملی تدوین قانون صحیح انتخابات بوده و باید بمسودم حق دهند که آن ها ازادانه نمایندگان حقیقی خود بپندارند و انتخاب و رای در دهای جانکاه و لا یقنای خود چاره اساسی بکنند



از مکاتیب وارده

شاغلی ممدار زاده

روزگار خلـق

هرکسی روزی میطلبد از ایام عبرت آن است که هر روز بدتر میبینم

آخرین سگرت خود را اتش زده به رفیقم گفتم پارك ملی و باغ عمومی در کابل نیست ورنه گشت و گذار ما و شما که نه پول تیاتر و سینما را داریم و نه مصرف کافی در کیسه -

موجود است بدون تفریحی نخواهد بود - رفیق شهزاد که چون دفتریان مشکل تراش گاه را کوه میسازد دیدن مال یک دهان خنده فرمود - جناب شما البته هر روز های تعطیل علاوه بر تصدات ماهورین و کارگر - نظام عسکرها را دیده باشید که در عوض گردن و هوا خوری بکدام باغ ملی و پارك عمومی که تمامش قصر و کوی شده - دسته دسته کنار سرك ولپ جو لمیده اند و یا در مصاهره بچ بسته - اقلا برای اقتاب

دادن و تفریح یک روز هم جای ندارند در حالیکه قبلا به همین باغ عمومی گوچک کنار پل سنگه اندازی - خیز - اتن ساز زنی - بیت خوانی و انواع بازیها و تفریحات هر روز های تعطیل میدمودند - خود را به کوی زده و از داستان - پرو دازی های غیر گرفته - قول بقول داخل کافی ملی شدیم و به کنجی افتادیم راستی کافی ها هم غنیمت است ... خاطر کنج کاوتگداشت تا مالک کافی را اصولا استنطاق نکند -

هنده - آقای مالک چقدر وقت است که کافی داری و چقدر کرایه میبر دازی

مالک - چهار سال و ماهانه ۳۱۰۰ افغانی تا حال ۱۴۸۸۰ افغانی یعنی تقریبا قیمت اپارتمان را پر داخته ام - بنده - واضح گردید که اساسا گران فروش و بی انصافی و در این کرایه و تفاوت

مالک - شما که از مشتریان ما هستید میباید معامله چطور است - اپارتمان کافی ملی از ما بملک هو تل کابل و شاید این تجویز و فیهله ایست که مخارج (۴۴) شان را تکافو میماید این است روزگار خلق بفر مائید تقصیر ملاک های غیر رسمی چیست

مکاتیب وارده

شاغلی غلام محمد خان اختری میثو هستند که دو سال پیش - کوپو نهیای سه ساله را برای شکریاهالی تقسیمولی برای چار نسفر شهری در یکماه ده پانزده اولی مردمان اطرافی و اطرافیان مسکونه کابل با هم متفرقه برای چارنفر ۳ پانزده اولی گردیده بودند یکی دو بار بجراید گوشزد نمودیم ولی جواب درستی ندادند بفرمایند معنی این عدم مساوات چیست ؟

فاصل محترم مدبر صاحب جریده نداء خلق ا در شماره تاریخی پنجشنبه ۲۹ حمل جریده شرح یافته مضمون را تحت عنوان ( شاغلی دلیل اثر تیششل ) تسو بد گردیده بود مطالعه و چون ضمنا ریاست نقلیات را مورد تعرض قرار داده بود تدابیر حصص متعلق به نقلیات دفاع و تردید ان نوبلا پرداخته میشود

اشخاص گرچه بی سرو پا و صاحب غرضها شدند چون در جمله مخلوق شامل هستند البته نامه ملی مجبور است گفته های شان را استماع و پیشتهادات شان را پذیرفته و در نشر آن نیز اقدام نماید ولی ما نیز تا گریهیم تا در صدد دفاع برآمده از یکطرف مقررات خود را خاطر نشان و از جانب دیگر اثبات مدعا را طالب شویم

الف) ریاست نقلیات در مورد ها را بجه ترتیب پذیرفته و - استخدام می نماید

۱ - در مورد های که شهادتنامه و لایستس داشته باشند در خواست خود را حاضر در حالیکه کمبود باشد میتوان هیئت متحنه امر اخذ امتحان داده میشود

۲ - هیئت متحنه که مرکب از اشخاص فنی بوده و - مستقر لیت آینده در مورد را نامه و رهنمود پس از امتحانات عملی و نظری هر گاه لیاقت در موردی او را مصدق شوند از رشمبه هر طه مقرر و موثر بپردازند - شرح سپرده میشود

۳ - در موقعیکه تصدات در مورد ها تکمیل و موثر فالتو نباشد از در مورد های که مراجعه مید ما یند مضررت خواسته میشود ب) شخص که تعرض بهیجا نموده چه تکلیف دارد - ۱ - بکدام تاریخ ریاست نقلیات پیشتهاد و بکدام نفر شطبہ مراجعه کرده است ۲۰ - تفری که از او رشوت - خواسته باشد واضح شود ۳۰ - موثر رانهای که پذیرفته اشخاص صاحب رسوخ و یا پذیرفته رشوه مقرر شده باشند یک نفر ان را مصرفی و اقلا کدام قرائن هم مایند داشته - باشند تا به رایش مجازات شدیدی داده شود که دیگران عبرت بگیرند ۴ - در حالیکه اثبات مدعا کرده نتواند - شخص مذکور را محض مقتری دانسته خواهد شمدیم جزای افتراء - براهش داده شود بداء مراتب فوق الذکرا بسمع قارئین گرام رسانیده و هم قضات موضوع بافکار عالی و - حق سنج خود شان و گذار و خاطر نشان می نمائیم که ریاست نقلیات جدا حاضراست تا در صورت اثبات مدعا

شخص مسئول را بجزای عملش سز ساند با احترامات ( رئیس نقلیات ) ( ما از شاغلی رئیس صاحب نقلیات تشکر نموده و امیدواریم که بگانه شکایت عار غیر و سایر دایوران با که عبارت از تقدیس معاشر شان در بدخل خرابی پروژه جات است علاج نماید و موقع شکایت نند ( نند )



پاسخ بمکتوب شاغلی غلام حضرت خان وکیل کا پیسا :  
 طوریکہ ادارہ اطلاع گرفتہ است در روز تصویب قانون مطبوعات که نظر به ہیئتہ متخصصین قانون نگاری ما ہیئت قانون مطبوعاتی نداشته و بلکہ بیشتر مشابہ قانون جزاست وکیل کا بل دکتور محمودی ہیئتہ ایراد و اظهار نموده بود کہ این قانون چندین سال قبل نظر بایجابات و شرایط همان زمان تدوین شدہ و نمیتواند برای پیشبرد اہمال ما مخصوصا اہم ادعای دیو کراسی خدمتی نماید۔ چنانچہ مابہ ان در تصویب قانون مذکورہ نیز امضاء نکرده و ہمعدہ از مطبوعات کشور مثل نامہ انگارو مجلہ اقتصاد تنقیدات مصلی در مورد قانون مذکورہ نمودہ اند منجملہ سر مقالہ مجلہ اقتصاد کہ چندی قبل نشر شدہ است و بقلم شیوای شاغلی محترم مصوبی متخصص حقوق تحریر شدہ خیلی جالب است وقت ہر دہ و ماہر شماره آتی مفصلا ان را نشر مینمائیم۔ ما بار ہا گفتہ ایم و باز میگوئیم کہ قانون مطبوعات کتونی ما دارای نواقص زیادی بودہ و از طرف متخصصین قانون تصویب و تدوین شدہ و با تمام قوانین سایر ممالک دیو کراسی مناسبت و مخالف است۔ اساسا تنقید بقانون توہین بہمت و نمایندہ گان ملت نمودہ و فقط برای اصلاح حال جامعہ و بہ وجود آمدن یک اصول اساسی ترو مفید تری است۔

پارہ از گفتہ های مردم :

محترمه حقیظہ حیات کہ ادارہ نداء خلق مدیون عرض شکر میباشان است می تو یستند کہ شاغلی رئیس امتیہ ما داشتن مقام عالی خویشی ما تو یستندہ مقالہ آواز اتحادیہ محصلین منتشرہ در نامہ انگارو ضح ہسہار شریفانہ نمودہ اند۔ خاتم محترمه مراتب امتنان خود را باین وسیلہ تقدیم مینماید ( ما از تصحیب خاتم محترمه ملتفت راز شدہ و عرض مینمائیم کہ در یک حکومت خلق مامورین رسمی از خورد و بزرگہ ہمہ خادم خلق اند و ہاید در مقابل ہر کس وضع شریفانہ نمایندہ مخصوصا رئیس امتیہ و پیر لیس کہ در ہمہ جہان خادم راحت و سعادت خلق حساب میشوند۔ امید است بعد ازین ہمہ مامورین او ضاع حاکمانہ را ترک و بحق خود و خلق آشنا گردند۔ ہمہ کس را احترام کنند و ہم باین وسیلہ دیگران را نیز جلب نمایند )

خبر های اوائس دلخک : شاغلی غنیسان نویسنده مقالہ زمزمہ خلق قرار اطلاع اوائس دلخک بہ حصہ بدون محاکمہ مخکرم گردیدہ است ( این است روش دیو کراسی ما )

شاغلی حمایت الہ خان  
 آرزوی جوانان

جای بسیار خوشی است کہ پس از قرن ہا مرحلہ رسیدہ ایم کہ میتوانیم اقلا چیزی بگوئیم و یا چیزی بنویسیم۔ گفتن و نوشتن ما برای اصلاح مفاسد ما و یا فتن چارہ و علاجی برای درد های جانتگاہ ما است۔ اما دشمنان ما نباید ازین گفتہ های ما استفادہ سرہ نمایند زیرا ما ہشہادت تاریخ ہمہ وقت در مقابل دشمنان خویش متحد و ہم آہنگ مینمائیم۔ ما ہد دشمنان خاک خود بجا سدان ترقی و ہد ہمتان پیشرفت و مخالفین وحدت ملی خود ب نظر نشوت بی ہمتیم و خاطر نشان مینمائیم کہ جوان افغان خائن۔ ہنگامہ جو و مخمل امیت و وطن فروزہ نمودہ و نمیتواند بسازد دیگران بوقصد۔ محرک و سائق جوانان افغان آرزوی پاک و بی الا یسی است کہ برای سعادت و ارتقای خاک خود در دل بی پروا ہد۔ ما از صمیم قلب خواهان دیو کراسی ہر دہ و در مقابل دشمنان ملی خود و اسحاق حق ہرادران ہشتون خویش تا دریای سندہ مرد وار بہ پھلوی شاہ جوان خود استادہ و صدای بلند میگوئیم کہ حتی ماہر ای این مبارزہ ملی خود بقدا کردن جان های خویش نیز حاضریم۔ درست است ما از کاروان ہد تہت عقب مانده ایم و تازہ بحقوق خود آشنا گشتہ ایم و مرد وار در مقابل ہر گونہ موانع برای حق خود مبارزہ می کنیم۔ اما این مبارزہ ما بحقوق ہرادران ہشتونستانی ما و یا صدای دشمنان ملی ما و بطنی نداشته و ملت افغان با این مخالطہ منطقی کہ از دستگاہ نشراتی استعمار ہرین ہد دشمنان کہند کار افغانستان مٹشاہ گرفته است ہیچگاہ فریب نمیخورند۔

چند قسرن بعد۔۔۔۔۔ شاغلی آینہ

وارسی و تقوید پوزہ های چرخ دولت از طرف جوان های ہرگی پیشقدمی در اصلاح ہر علاوہ اصلاحات اتحاد شکل در پو شاک و از بین رفتن روش بو قلمون۔ همکاری و اتفاق نظر ہرنا و پیر۔ آسودہ گی از سودای تن و شک۔ نجاست از مجالس بی نتیجہ۔ صواب گردیدن خطا بر بزرگان گرفتن ( ۴ ) ندائ کہ حین ترکیب با ( خلق ) دراضافت واقع و طبق قواعد ہاید بہ ( ی ) تبدیل گردیدہ ( ندای خلق تصحیح خواهد شد ) عدہ از علما مخصوصا مولینای محترم فضل ربی مخالف این عقیدہ ہر دہ و ما بہ اثر مشورہ شان در عرض ( ی ) ندائ را در حال اضافت نیز بہ ( ۴ ) نوشتہ ایم۔ چہ آنها معتقدند کہ الف تا ہج قاتون مذکورہ ہر دہ ولی ( ۴ ) دراضافت فقط با قبول کسرہ بحال خود باقی مینماند ( ۴ )



بقیه سر مقاله

ولی اکنون ما مجبوریم خوف و د هشت - ربا و چاهلو سسی  
چال و بیرونگی - فریبکاری - رشوت د هی و رشوت ستانی  
و سایر مفاسد اخلاقی خود را که همه زاده استبداد اند  
ترک گشته و حسن احترام قانون و مسئولیت اجتماعی را که در  
و جرد ما توسط استبداد کشته شده است بیدار ساخته  
و بکار بخود تکان داده و بداتیم که اگر ما از همه کن کار  
فصالیست - صداقت - راست کاری و فدا کاری آرزو میکنیم  
ما هم مسئولیتی داشته و مجبوریم قریب تر و واجبات شو  
و در مقابل جا همه عملی سازیم - ما مجبوریم همان طوری  
که طالب احترام و عزت نفس خود میباشیم دیگران را قوی  
احترام نموده و بجزت انفس شیطان صدمه نزنیم - ما  
مجبوریم همان تسمی که طالب حقوق و آزادی خود میباشیم  
بآزادی و حقوق دیگران نیز تجاوز ندهیم - ما مجبوریم -  
و ظالیف و واجبات خود را در مقابل جامعه (مقاومت و نر  
حق احساس کرده و این را هم بدانیم که در یک حکومت  
دیگر کراسی مبارزه برای دفاع از حق نیز قریب ما است -  
ما مجبوریم با اساس قوانین جاریه به حقوق خود آشنا شست  
و در هر جا بمقابل حق خود بها فشاری کرده و بهر کس -  
بفهمانیم که ما دیگر هو شیوار شده ایم و تمی شود - سهولت  
ما را فریب داد در یک حکومت دیمو کراسی مبارزه برای حق  
و مرام خود فقط از راه قانون و با مقاومت و نجات ممکن بوده  
و هیچگاه نباید با زور و تشدد مراجعه کرد - ( محمودی )

برای تحصیل يك لقبه تان ؟؟

دیگر یند شیری ازان طرف دریا که قبیلک کوچی در کنار آن  
انقادده بود میگد شست سگ قبیله ازمین کنار رودها يك عالم  
شور و غوغا خاکباد و عوفو نموده و در مقابل شیر به حمله وجست  
و خیز آغاز کرد - شیر با تعجب هوی گنت که رفیق اگر دریا  
در بین نباشد میدانی که بها يك سر انگشت خود کارت را  
میسازم !!! سگ آهسته ( برای اینکه صا جبهه نشسته )  
بخاک باد و عوفو خود میافزود جواب داد - اگر این کار را

نگم بمن تان (؟؟) نمید همد \*

شاغلی محمد ابراهیم خلیل  
شد بهاران و به بلبل همنوائی میکنم  
در چمن چون آبهاران تر صدائی میکنم  
درد دل را با زبان شمر میسازم ، همان  
هم بسجک تازه طبع آزمائی میکنم -  
چون مقامات بلند و خواجه های شهر تو  
از هجر میدان دانشور جدائی میکنم  
همچو موثرها و مانند ماسا شاد نسیم  
بعد ازین بها چایلر سان آشنائی میکنم  
ز بهر صورت بدست ارم گتم در بانک جمع  
سود خوری در ایام و طوسائی میکنم  
د عوی حب و طمعه خواهی و ملت پروری  
بیشتر هر تا اهل و اهل از خود نمائی میکنم  
زهر دارم دور بهاد اما بظاهر همچو ناز  
خاکساری همیشه از بهیست و بهیست میکنم  
دیگم بیدار ملت را بضراب قلم  
تا به پنداری که من باوه سران میکنم  
معتقدیم من نباشم زانکه مانند خلیل  
"گر نمازی میکنم گاهی روانی میکنم"

خواهش

از دو بستنده گان محترم میگد مقالات و مضامین خود بجهت  
سببهت نشر با این نامه میفر ستادی خواهش شد است آن را  
با تحریر اسم و آدرس مکمل خود بفر ستند و الا مقالات و  
مضامین شان از نشر باز خواهد ماند ( اداره )

شرح اشتراك

کتابها	:	۴۰	افغانی سالانه
ولایات	:	۴۵	رو
خیابان	:	۵	دالر
قیمت يك شماره	:	۵۰	پول